

فهم چینی از نزاع ایران و اسرائیل

اژدها از خواب بیدار می‌شود؟



فاطمه سادات مرتضوی خبرنگار گروه اقتصاد

چند هفته‌ای از شروع و توقف جنگ بین ایران و رژیم صهیونیستی می‌گذرد. در این میان یکی از سسؤال‌های پرتکرار بین نخبگان، پژوهشگران و حتی مردم کوچه و بازار این است که اگر صهیونیست‌ها با پشتیبانی آمریکا و قدرت‌های غربی وارد جنگ نابرابر با ایران شُشدند، چرا شرکای راهبردی ایران در این کار راز در کمک به کشورمان غایب بودند. میان افکار عمومی ایران این سؤال مطرح است که آیا «تهایی اسرائرائیک» که برخی‌ها از آن به عنوان جبر جغرافیایی-تاریخی برای کشورمان مطرح می‌کنند، این بار نیز ایران را در میانه جنگ تنها گذاشت یا اینکه کشور یا کشورهایی هم بودند که منافع آن‌ها عمیقاً تحت تأثیر این جنگ قرار داشته و برای آن‌ها، تداوم حاکمیت فعلی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حاکمیت مستقل از جبهه غرب و شرق حائز اهمیت است. کارشناسان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» معتقدند هر چند دشمنی رژیم صهیونیستی با ایران یک موضوع تاریخی بوده و علاوه بر موضوع فلسطین، از رقابت‌های منطقه‌ای نیز نشئت می‌گیرد، اما برای آمریکایی‌ها مواجیه با ایران به‌عنوان یکی از راهبردهای مهار چین است. اما اینکه چرا چینی‌ها در جنگ اخیر منفعل بودند، موضوعی است که کارشناسان در ادامه به آن پاسخ داده‌اند.

— ایران یک نقطه‌کلیدی برای راهبردمهارچین است
حسین قاهری، رئیس اندیشکده مطالعات راهبردی ایران و چین، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره تأثیرات تقابل ایران و رژیم صهیونیستی بر روابط ایران و چین اظهار داشت: «تقابل تاریخی ایران و رژیم صهیونیستی ریشه در دهه‌ها تنش سیاسی و امنیتی دارد و برخی تحلیلگران بر این باورند که این درگیری‌ها در سطح کلان، به‌رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های جهانی گره‌خورده‌است.» وی با اشاره به تأثیر بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای بر طرح‌های اقتصادی چین افزود: «بر اساس دیدگاه ایالات متحده، افزایش ناآرامی‌ها در پیرامون ایران، عملاً نقش تهران در پروژه‌های کلانی مانند ابتکار کمربند و جاده (BRI) را تضعیف می‌کند. این پروژه که اقتصادی‌ترین مسیر آن از ایران می‌گذرد، ایران را به یک نقطه کلیدی در راهبرد مهار چین تبدیل می‌کند. اما زمانی که ایران دچار بحران شود، این بحران می‌تواند مشکلات اساسی در مسیرهای کمربند و جاده ایجاد کند.»
به‌طور قاهری با اشاره به درگیری اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی گفت: «به‌طور خاص، جنگ ۱۲ روزه می‌تواند فرصتی برای ایران فراهم کند تا از پلاتکلیفی در تصمیم‌گیری بین شرق و غرب‌رهایی یابد و به سمت تعامل بیشتر با شرق حرکت کند. در این فرایند، نقش چین می‌تواند بسیار کلیدی باشد.»

— بی‌ثبات‌سازی ایران شدیداً به ضرر چین است
وی درباره تقابل دو طرح کلان ژئواستراتژیک گفت: «دو پروژه BRI و آئی‌مک عملاً در رقابت با یکدیگر قرار دارند. آئی‌مک پروژه متقابل آمریکا در برابر کمربند و جاده چین است. ایران در این میان نقش بسیار مهمی دارد؛ به‌ویژه در محورهای شمالی که از کشورهای CIS عبور می‌کند. عربستان سعودی نیز با ارائه طرح مکمل، عملاً هر دو پروژه را پوشش داده است، اما ایران هیچ طرحی ارائه نداده است. ما نه در آئی‌مک حضور داریم، نه BRI را فعالانه پیگیری کرده‌ایم. این در حالی است که آمریکا ممکن است هدف خود را تضعیف BRI از مسیر بی‌ثبات‌سازی ایران تعریف کرده باشد.»

قاهری در ادامه با تأکید بر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران برای چین گفت: «ایران مستقل از جبهه غرب عمل می‌کند، این موضوع برای چین اهمیت زیادی دارد. اگر ایران به سمت غرب متمایل شود، کشور بعدی که در همسایگی چین هدف فشار قرار می‌گیرد، پاکستان خواهد بود. پاکستان نیز شرایطی دارد که تحریم آن برای آمریکا ساده‌تر است؛ چراکه علناً اعلام کرده بسبب اتم دارد. اگر ایران به‌عنوان یک جبهه مستقل عمل نکند، مرحله‌بعدی هدف‌گیری، مرزهای مستقیم چین خواهد بود.»

— نقش ایران در کاهش فشار بر تأمین انرژی چین
ایسن تحلیلگر افزود: «چین بیش از ۸۰ درصد نفت خود را از طریق دریا تأمین می‌کند که بخش عمده‌آن از تنگه‌ما لاکا عبور می‌کند؛ تنگه‌ای که به‌شدت تحت کنترل نیروی دریایی آمریکاست، برای همین، چین به‌دنبال مسیرهای جایگزین است؛ شامل آسیای میانه، کریدور چین-پاکستان و ایران. اگر در خلیج فارس یا

تنگه هرمز بحران ایجاد شود، فشار بر تنگه مالاکا افزایش می‌یابد و این ممکن است چین را با بحران جدی در تأمین انرژی مواجه کند.»

— چین در جنگ ۱۲ روزه منفعل نبود!
وی درباره نقش چین در جنگ اخیر ایران و رژیم صهیونیستی تصریح کرد: «این برداشت که چین منفعل بود نادرست است. برخی تصور می‌کنند اگر چین کنار ایران نایستاده، منفعل است. درحالی‌که چین بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکاست و طبیعتاً سیاستی مبتنی بر حفظ منافع ملی را دنبال می‌کند. با این حال، در جریان جنگ، چین خرید نفت از ایران را کاهش نداد و برخی اقلام ضروری را برای ایران تأمین کرد. این یک موضع‌گیری شفاف بود. همچنین چین نسبت به ایران موضعی روشن داشت، هر چند حمایتی نسبت به روسیه بسیار فعال‌تر بوده است.»
قاهری در ادامه با انتقاد از عدم تنظیم نگاه راهبری میان ایران چین گفت: «در این سسال‌ها، سهم ایران از اقتصاد چین فقط ۲/۴ درصد بوده؛ در حالی‌که چین شریک اول تجاری اقتصاد ایران است. این نشان می‌دهد که ما هیچ‌گاه شریک راهبردی واقعی برای چین نبوده‌ایم. بارها به‌دلیل منافع کوتاه‌مدت، چین را راه کرده‌ایم. چینی‌ها نیز بارها گفته‌اند که اعتماد راهبردی به ایران ندارند. حتی در سند چشم‌انداز همکاری ۲۵ ساله با چین، بیشتر یک توافق نمادین بود که هیچ دولتی آن را جدی دنبال نکرده است.»

وی در پایان خاطر نشان کرد: «ما هیچ برنامه مشخصی برای تقویت زیرساخت‌ها با کمک چین نداشته‌ایم. معمولاً فقط در بحران‌ها به سراغ چینی‌ها می‌رویم و درخواست تجهیزات داریم، در حالی‌که شرایط بحران قوانین خاص خود را دارد. اگر ایران رویکرد جدیدی اتخاذ کند و به چین نشان دهد که شریکی بلندمدت و استراتژیک است، آنگاه بر خورد پکن با ما، به‌ویژه در حوزه ایجاد زیرساخت و حمایت دفاعی، به‌طور اساسی متفاوت خواهد بود.»

— پیامدهای جنگ ۱۲ روزه بر پروژه BRI
مهدی خورسند، تحلیلگر مسائل ایران و چین در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره تأثیر جنگ اخیر ایران و رژیم صهیونیستی بر رقابت ژئوپلیتیکی در منطقه پیامدهای آن بر چین گفت: «یکی از اشتراکات راهبردی ایران و چین، جلوگیری از ناامن‌سازی منطقه خلیج فارس، تداوم تکمیل پروژه BRI و ایجاد مزیت‌های نسبی برای BRI در مقابل پروژه آئی‌مک است. این تحلیلگر در ادامه اظهار داشت: «از سال ۲۰۱۱ تاکنون، چینی‌ها بارها پیشنهادهای کلان همکاری اقتصادی و زیرساختی به ایران داده‌اند. برای نمونه، در سال ۲۰۱۶، شی‌چین‌پینگ نخستین رئیس‌جمهور یکی از اعضای ۱۰۵+ بود که پس از برجام به تهران آمد. او بسته ۴۰ میلیارد دلاری برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های ریلی، برقی‌سازی، پالایشگاه‌و نیروگاه‌ها ارائه داد، اما هیچ پاسخ مؤثری از سوی مقامات ایرانی به آن‌ها داده‌نشد.» خورسند با اشاره به همکاری موفق ایران و چین در دوران کرونا گفت: «در دولت سیزدهم، امیدها به احیای روابط بیشتر شد. چین به درخواست ایران واکسن کرونا را ارسال کرد و این کمک‌ها جان هزاران نفر را نجات داد. اما باز هم سیاست مشخص و منظمی برای پیگیری سند همکاری ۲۵ ساله دیده‌نشد. حتی فرستادن سفیری که اولویت امنیتی دارد نه اقتصادی، این پیام را به پکن منتقل کرد که ما درک درستی از رابطه با چین نداریم.»

— چینی‌ها تداوم حاکمیت ایران را ضامن ثبات منطقه می‌دانند

خورسند در ادامه با اشاره به اهمیت تنگه مالاکا برای چین گفت: «چینی‌ها دغدغه جدی نسبت به تنگه مالاکا دارند. آن‌ها ایران را یک شریک قابل اتکا نسبت به کشورهای دیگر منطقه می‌دانند، چون بقیه شرکا وابستگی بیشتری به آمریکا دارند. این موضوع به ویزه به خاطر اهمیت جریان تجارت انرژی از این تنگه برای کشورها مطرح است. ایران و چین به‌خوبی آگاهند که حفظ امنیت انرژی در این منطقه برای هر دو کشور حائز اهمیت است.

چینی‌ها به‌طور خاص نگران مشکلاتی هستند که ممکن است برای ایران به وجود آید و بر امنیت انرژی در خلیج فارس تأثیر بگذارد. تسلط آمریکا بر منطقه غرب آسیا به وضوح برخلاف منافع ملی ایران و چین است. در این راستا، حتی اگر چینی‌ها هانت ایران را با تخفیف خریداری کنند، ممکن است برخی تکنولوژی‌ها را با قیمت‌های بالاتر از ارائه دهند. با این حال، چینی‌ها ایران را به‌عنوان شریک قابل اعتمادتر نسبت به دیگر کشورهای منطقه می‌شناسند. از نظر چین، تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا به نفع ثبات و امنیت انرژی

این کشور است.»

— برای چین، ایران مستقل در منطقه اهمیت بالایی دارد

خورسند در ادامه با تأکید بر اینکه چین امروز به‌روزترین تهدیدکننده منافع ایالات متحده در نظام بین‌الملل است، تصریح کرد: «از دیر باز تاکنون، همیشه رفتارها و الگوهای بازی چین به عنوان تهدیدکننده جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل مورد توجه آمریکایی‌ها بوده و آمریکایی‌ها همیشه نسبت به کنش‌ها و واکنش‌های چینی‌ها حساس بودند.»

وی افزود: «پس از طرح ابتکار کمربند و راه (BRI)، آمریکا و هم‌پیمانانش نیز پروژه‌هایی مانند کریدور آئی‌مک را با هدف تضعیف موقعیت چین در منطقه تعریف کردند. اما اگر بخواییم به‌صورت مشخص به جنگ اخیر ایران و رژیم صهیونیستی نگاه کنیم، باید بگوییم که منطقه ماکاملاً در محاصره کشورهایی قرار

دارد که یا متحد آمریکا هستند، یا با آن روابط استراتژیک دارند.»

خورسند با اشاره به‌شواهد این موضوع اظهار داشت: «افغانستان و عراق مستقیماً تحت اشغال آمریکا قرار داشتند، امارات و بحرین به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی روی آورده‌اند. ترکیه عضو ناتو است، آذربایجان و ارمنستان نیز جایگاه مشخصی در موازنه غربی دارند. در چنین شرایطی در منطقه، با توجه به اهمیت و منافع‌ی که چینی‌ها قادر بودند به‌صورت خاص در راستای منافع خود در حوزه انرژی و ژئوپلیتیکی تعریف کنند، فقط ایران است که می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر مستقل و ضدغربی، شریک راهبردی و مؤثر چین در منطقه باشد.»

— سطح همکاری ایران با چین هنوز پایین است
خورسند در ادامه اظهار داشت: «با وجود فرصت‌های متعدد، هنوز برای کارشناسان روابط ایران و چین روشن نیست که چرا ایران توانسته با وجود چراغ سبزها و پیشنهادهای گسترده پکن، همکاری مشخصی با چین شکل دهد. علی‌رغم اعضای سند همکاری ۲۵ ساله، نه در حوزه نظامی و نه در حوزه اقتصادی نتوانسته‌ایم به‌بهربرداری مؤثری داشته‌باشیم.» خورسند با اشاره به حرکات استراتژیک پاکستان به عنوان نمونه‌ای قابل تأمل برای ایران گفت: «پس از ایران، با وجود تمام می‌توجهی ایران به روابط با چین، پاکستان روابط نزدیکی با چین برقرار کرد. در جریان جنگ اخیر میان پاکستان و هند، مشاهده شد این روابط راهبردی و تکیه بر توان دفاعی چین به پاکستان کمک کرد تا معادلات میدان نبرد را به نفع خود تغییر دهد؛ درحالی‌که هند به توانمندی جبهه غرب و خصوصاً طرف آمریکایی در حوزه تجهیزات دفاعی حساب باز کرده بود.»

خورسند تأکید کرد: «من نمی‌گویم ایران باید مثل پاکستان عمل کند، اما باید بپذیریم که ترجمان صحیح شعار «نه شرقی، نه غربی» امروز می‌تواند «هم‌شرقی، هم غربی» باشد، بشرط حفظ استقلال. اما متأسفانه، در تمام دولت‌های پس از جنگ تحمیلی، جهت‌گیری غالب، حرکت به‌سوی عادی‌سازی روابط با غرب بوده و همین باعث از دست رفتن فرصت‌های شرقی به‌ویژه با چین شده است.» خورسند با اشاره به تجربه جنگ‌اخیر و نقش روسیه در روابط با رژیم صهیونیستی گفت: «باید این نکته را جدی بگیریم که روسیه و ایران در مسئله رژیم صهیونیستی و فلسطین منافع متعارض دارند. روس‌ها هیچ‌گاه به‌طور کامل با ایران در غرب آسیا هماهنگ نبوده‌اند. اما در رابطه با چین این موضوع صادق نیست. برای مثال، چینی‌ها قراردادی ۳۰ ساله برای توسعه بندر حیفا با اسرائیل امضا کردند، اما به‌دلیل فشار مستقیم آمریکا، از این پروژه کنار کشیدند. همین نشان می‌دهد که آمریکا حاضر است هرگونه نفوذ چین در سرزمین‌های اشغالی را سرکوب کند.» وی تصریح کرد: «در چنین شرایطی، ما باید از فضای همکاری با چین برای رسیدن به منافع حداکثری در حوزه‌های امنیتی، نظامی و اقتصادی بهره‌بریم. البته این به معنای نفی رابطه با غرب نیست، بلکه دستگاه دیپلماتی باید توازن واقع‌بینانه‌ای در روابط شرقی-غربی اتخاذ کند.»

— چرا چین در جنگ ۱۲ روزه منفعل بود؟

خورسند در پاسخ به برخی ادعاها مبنی بر «الفعال چین» در جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، تصریح کرد: «برخی تصور می‌کنند چون چین موضع‌گیری تندی نداشت، پس منفعل بود. اما این برداشت ناشی از عدم درک سیاست خارجی پکن است. باید این نکته را در نظر داشت که انتظار ورود فعالانه از جانب چین بدون داشتن روابط راهبردی و منافع مشترک تعریف‌شده، غیرواقع‌بینانه است.» وی تصریح کرد: «ما هیچ برنامه مشخص، ملون و راهبردی برای همکاری با چین

تعریف نکرده‌ایم. در عین حال، همواره از این کشور انتظار کنش داریم. این‌که چرا چین ورود نکرد یا چرا موضع صریحی نگرفت، پرسشی است که پاسخ آن را باید در ضعف راهبردی خودمان جست‌وجو کنیم.» وی افزود: «وقتی رابطه‌ای عادی با چین داریم، طبیعی است که واکنش این کشور هم در حد یک کشور عادی باشد. ما باید منطقی باشیم و انتظارات خود را از کشورهای شرقی و غربی بر مبنای واقعیات تنظیم کنیم، نه بر اساس تصورات ذهنی یا امیدهای غیرمستند.» این تحلیلگر ادامه داد: «متأسفانه ما در بسیاری از موارد با خوش‌بینی بیش از حد به نظام بین‌الملل و سیاست خارجی، مسیرهایی را رفتیم که آسیب‌زا بود. برای نمونه، در ماجرای برجام توافق را امضا کردیم که حتی برخی امضاکنندگان آن، مفادش را به‌درستی مطالعه نکرده بودند. ما برجام را با این تصور امضا کردیم که شرکت‌های آمریکایی و اروپایی پشت در ایران صف کشیده‌اند، درحالی‌که حتی یک تقاهم کاغذی مانند اینستکس نیز عملیاتی نشد.»

— ایران نباید فرصت‌سوزی کند

وی در ادامه با اشاره به روابط چین و ترکیه پس از سفر ناکام یکی از مقامات چینی به ایران گفت: «در سال ۲۰۱۶، یکی از مقامات چینی پس از مواجهه با بی‌میلی ایران، سفرش را در حالی ترک کرد که ترکیه بلافاصله از این فرصت استفاده کرد. ترکیه مزیت صنعتی برای کریدور ترانس کاسپین خود ایجاد کرد و مسیر چین-قزاقستان-اکتائو-باکو-ترکیه را جایگزین مسیر ایران کرد. این یعنی ما فرصت‌سوزی کردیم.»
وی با انتقاد از نگاه سطحی به روابط راهبردی افزود: «ما حتی برای خرید جنگنده و سامانه‌های پدافندی نیز اقدامی جدی انجام ندادیم، درحالی‌که پاکستان همین مسیر را با چین پیمود و موفق شد. تفاوت در نوع قرارداد و اراده در عملیاتی سازی آن است.»
خورسند ادامه داد: «ما بندر چابهار را که چین برای عبور از تنگه مالاکا به آن نیاز داشت، به رقیب استراتژیک چین یعنی هند واگذار کردیم. همین امر نشان می‌دهد که ما نه‌تنها منافع چین را در نظر نگرفتیم، بلکه منافع خود را نیز به‌درستی تعریف نکردیم.»

— خرید تجهیزات دفاعی از چین مستلزم تعریف نگاه راهبردی است

وی با اشاره به انتظارات غیرواقع‌بینانه جامعه از کشورهایی چون چین اظهار کرد: «پروژه خرید جنگنده و پدافند یک روند پیچیده و زمان‌بر است. این گونه نیست که امروز تصمیم بگیریم و فردا اجرا شُود. ما امروز بعد از وقوع جنگ به فکر تخصیص بودجه از صندوق توسعه ملی افتاده‌ایم، درحالی‌که باید پیش‌تر این برنامه‌ریزی صورت می‌گرفت.»
وی افزود: «بعد از زم‌مه‌های بسستن تنگه هرمز توسط ایران، کشتی‌هایی با پرچم چین و روسیه از تنگه عبور کردند. این یعنی برای آن‌ها مشخص است که حرمت ایران را نگه می‌دارند و تهدیدی نمی‌بینند، ولی ما از این امتیاز استفاده راهبردی نمی‌کنیم.»

وی افزود: «چینی‌ها به‌خوبی می‌دانند تنها کشور بلوک ضدغربی که در غرب آسیا برای آن‌ها باقی مانده ایران است. بنابراین برخلاف تصور، پکن این تحولات را دقیقاً رصد می‌کند و آماده توسعه روابط است، به‌شرط آن‌که از سمت ایران نیز اراده سیاسی واقعی برای راهبرد شرقی وجود داشته باشد.»
ایسن تحلیلگر ادامه داد: «بعد از نابودی داعش، ایران کالایی به نام «امنیت» را در منطقه‌ای پر آشوب تولید کرد و آن را رایگان در اختیار شرق و غرب گذاشت. هنوز هم از ابزارهایی مانند تهدید جریان انرژی از تنگه هرمز استفاده نکرده‌ایم، درحالی‌که این‌ها ابزارهای مشروع دفاعی‌اند که می‌توان در چهارچوب منافع ملی از آن‌ها بهره گرفت.»
خورسند در ادامه تأکید کرد: «درحالی‌که گفتمان رسمی ما ضدغربی است، متأسفانه در عمل اکثر دولت‌های پس از جنگ در پی عادی‌سازی روابط با غرب بوده‌اند و هرگز زیرساخت جدی و عملیاتی برای ارتباط بلندمدت با شرق فراهم نکرده‌اند. اگر راهبرد درستی اتخاذشود، چین همچنان برای همکاری‌های بلندمدت آماده است.»
او در پایان تأکید کرد: «امیدوارم در کنار تمرکز بر گفت‌وگو با غرب، دستگاه سیاست خارجی ما نگاه چندبعدی‌تری به قدرت‌های نوظهور مانند چین داشته باشد تا بتواند از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران به نحو احسن استفاده کند.»

چرا اخبار انفجار گاز منازل این روزها بیشتر دیده می‌شود؟

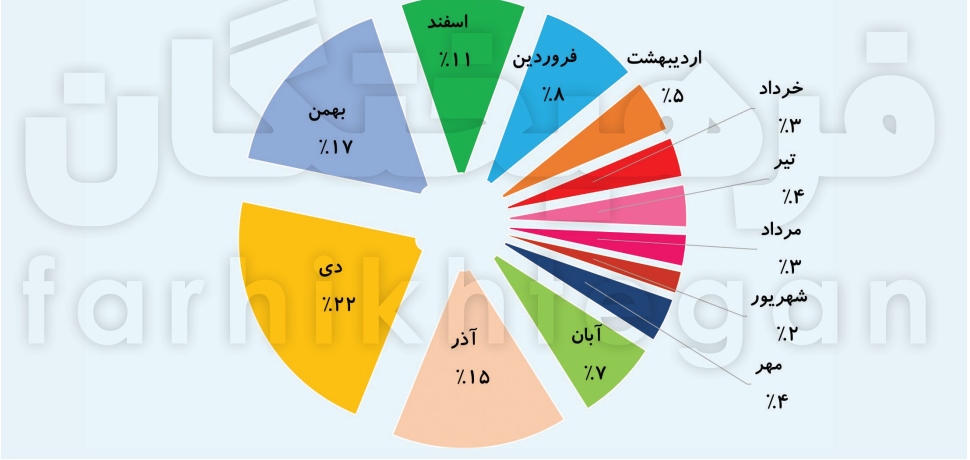
گازگرفتگی رسانه‌ای

سه‌ه هفته پس از جنگ تحمیلی اخیر رژیم صهیونیستی علیه ایران، رخ دادن چند حادثه نشست گاز در کشور منجر به این موضوع شده که برخی از کاربران فضای مجازی و رسانه‌های معاند این موضوع را به عنوان پازل از جنگ صهیونیست‌ها علیه ایران عنوان کنند، موضوعی که با تبلیغات سنگین رسانه‌های معاند، در فضای روانی پس از جنگ می‌تواند به عنوان ابزار رسانه‌ای دشمن، روح و روان مردم را آزار دهد. کارشناسان می‌گویند چنین حوادثی در کشوری با نزدیک به ۹۰ میلیون جمعیت و ۳۰ میلیون مشترک گاز، امری طبیعی محسوب می‌شود. «فرهیختگان» برای بررسی این موضوع سراغ داده‌های سازمان پزشکی قانونی کشور رفته که در وب‌سایت این سازمان برای عموم مردم قابل دسترس است. این داده‌ها نشان می‌دهد فارغ از هر تفسیر و تحلیلی، طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۳ هر ساله و در فصول مختلف (اعم از فصل سرد یا گرم)، حوادث ناشی از نشست گاز منجر به مصدومیت و فوت صدها ایرانی شده است.

— داده‌ها چه می‌گویند؟

«فرهیختگان» برای قضاوت بهتر این موضوع به سراغ داده‌های پزشکی قانونی رفته است. لازم به‌ذکر است که داده‌های پزشکی قانونی از گازگرفتگی صرفاً مربوط به پرونده‌هایی است که مرگ‌ومیر ناشی از گازگرفتگی به این نهاد ارسال شده است. به عبارتی، تعداد مصدومان ناشی از گازگرفتگی در این داده‌ها لحاظ نشده است. براین اساس، با توجه به اینکه در بسیاری حوادث، مصدومان حادثه‌تا چندین برابر فوت‌شدگان است، آمارهای ناشی از گازگرفتگی (شامل مصدومان +فوت‌شدگان) باید چندین برابر داده‌های مرگ‌ومیر ناشی از این حوادث باشد. توجه داشته باشیم در چندین حادثه اخیر نشست گاز نیز عمدتاً افراد مصدوم شده و گزارش از فوت‌شدگان منتشر نشده است. اما برگردیم به داده‌های پزشکی قانونی. داده‌های رسمی این نهاد که تا پایان سال ۱۴۰۳ منتشر شده نشان می‌دهد تعداد سالانه مرگ‌ومیر ناشی از گازگرفتگی (پرونده‌های ارسالی به این نهاد) بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۳

درصد مرگ‌ومیر ناشی از گاز گرفتگی (پرونده ارسالی به پزشکی قانونی) در ماه‌های مختلف طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ (شامل مصدومان نمی‌شود)



تعداد مرگ‌ومیر ناشی از گاز گرفتگی (ارسالی به پزشکی قانونی) از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۳ (شامل مصدومان نمی‌شود)

